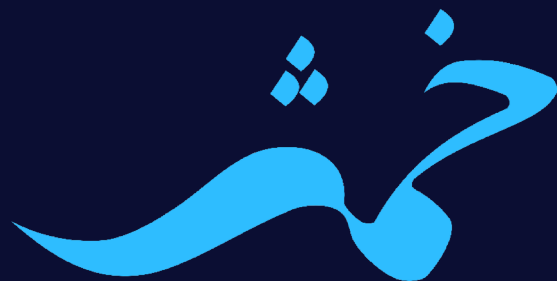


آغازی نو بر بهاری از دست رفته



ویژه نامه عید نوروز





خبرنامه مکانیک شریف دوره ۲۸، شماره ۶، فروردین ماه ۱۴۰۰

در این شماره می‌خوانیم:

- ۳.....سرمقاله
- ۴.....Pardis lives matter
- ۵.....کردیت چیست؟
- ۷.....هفت «سین» و یک «پ»
- ۸.....زیرکانه‌ترین حرکت سال
- ۸.....وقت‌شناس‌ترین (الاحقر)
- ۹.....این چه جور برنده بودنه؟
- ۹.....گه‌گاهی تفاوت هم چاره‌ساز است
- ۱۰.....بازگشت اروپایی مردگان
- ۱۱.....شما خالق من، اما من ارباب شما هستم!
- ۱۱.....To infinity and beyond
- ۱۲.....تعطیلات خود را چگونه بگذرانیم؟!
- ۱۳.....تبریک تیم خمش
- ۱۴.....دانشگاه در بهاری که آمد
- ۱۵.....دانشکده در سالی که گذشت
- ۱۶.....Mech Break



سیدپارسا قزوینی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

سال که نو می‌شود، فرصتی است تا نگاهی به عقب بیندازی و سالی را که گذشت مرور کنی و برای آینده‌ی بهتر برنامه‌ریزی کنی. سال گذشته از سال‌هایی بود که شاید شبیه آن را تنها در کتاب‌ها خوانده بودیم و در فیلم‌ها دیده بودیم. حال فرصت خوبی است تا اولین سال کرونایی را مرور کنیم و ببینیم در دانشگاهمان و در دانشکده‌مان چه گذشت. در این شماره از خمش نگاهی انداخته‌ایم به سال گذشته، فرازها و نشیب‌هایش، بهترین‌ها و بدترین‌هایش و خلاصه هر آنچه سال گذشته را سال گذشته کرد. از پردیس مکانیکی که کمی بیش از یک‌سالگی‌اش را جشن می‌گیرد گرفته تا مصاحبه با کردیت‌کرده‌های دانشکده. از اخلاق مهندسی و روز مهندس گرفته تا پیشنهادهایی برای بهتر گذراندن این دو هفته. درست است که در همین هفته‌ی منتهی به عید، استادها حسابی از خجالت‌مان درآمده‌اند اما آرزو که بر جوانان عیب نیست. امیدوارم عیدی خالی از ددلاین، پروژه و کلاس داشته باشید. انسان به امید زنده است، امیدوارم در روزگاری نه‌چندان دور، دور هم جمع شویم و خمش بخوانیم. به امید روزهایی بهتر. عیدتان هم مبارک!





علی بوالحسنی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

که این خود یک واحد بر دوران تحصیل ما اضافه کرد و یک واحد از دروس اختیاری را که بسیاری دوست دارند خودشان در موردش حق انتخاب داشته باشند (همان‌گونه که از اسمش معلوم است) از ما گرفت (اختیار اجباری). بگذریم که این اعتراضات کار به جایی نخواهد برد و مانند ترمزی خواهد بود، ولی انسان در محدودیت‌ها ستاره می‌شود.

روابط دانشجویی، توهم یا واقعیت؟

در روزهای اول دانشگاه، وقتی پاییز شده بود و هوای بارانی داشت کم‌کم روی خودش را نشان می‌داد و برگ‌های زرد، با نور آفتاب یکی می‌شدند، پا به دانشگاه گذاشتیم. همیشه، لااقل در من این حس بود که با گفتن پردیسی‌بودنم، رفتار اطرافیان نسبت به من تغییر خواهد کرد؛ حسی که روز اول در حال گفتن سوگند در شریف سلام به من دست داد. بعدها، در اردوی مشهد متوجه شدم که این حس کاملاً اشتباه بوده است، همه‌ی ما رفاقت‌کردن و دوست پیداکردن را بلدیم. این جو نادرست، زمانی در دانشگاه در میان ما برقرار بود، اما بعد فهمیدیم که ما روابط دوستی را به‌خوبی ادا نکرده بودیم که این باعث ایجاد فاصله‌ای شده بود. اما تلاشمان را کردیم و دوستی‌مان محکم‌تر و قوی‌تر شد، آنچنان که بی‌پروا می‌گوییم «پردیسی‌ام» ولی کسی با آن مشکلی ندارد. در این زمانه، همه می‌دانند که ذات انسان‌هاست که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، نه ملاک‌های دیگر. البته ناگفته نماند که عده‌ای بسیار بسیار اندک که خود را علامه‌ی دهر و دانشمند ناسا یا تسلا می‌دانند، توهین‌هایی به ما کردند که آن‌ها را در خود هضم کردیم و گذاشتیم به حساب جو ترم اول. درکل، پردیس مکانیک در طول یک سال مشقت و سختی توانست به اینجا برسد. امید داریم روزی کرونا نابود شود، آن زمان است که می‌توانم دوستانم را در آغوش گیرم، که هیچ حسی بهتر از این حس نیست...

سال ۹۸ سالی بود که دانشگاه دست به سنت‌شکنی زد و بعد از سه سال، پردیس گرفت؛ سنت شکنی که آداب و رسوم آن را بلد نبود. ترم یک با همه‌ی حواشی و سختی‌هایش گذشت. ترم یک، جنجالی برای پردیس، ترم یکی که دروس چارت به ما داده نشده نبود، ترم یک سنگین و پرمشغله‌ای که از آن عبور کردیم، تا زمانی که مهمان ناخوانده‌ای وارد کشور شد، مهمانی که حتی سلام و احوال‌پرسی با آن ممکن بود به قیمت جانمان تمام شود. بعد از گذشت چند ماه قرنطینه و عید، روز عذاب دانشجویان پردیس فرا رسید: روز پرداخت شهریه‌ها. در کمال ناباوری و تعجب، دانشگاه صنعتی شریف حتی ریالی از شهریه کسر نکرد، آن هم در شرایطی که پول آب و برق و گاز و... را هم نمی‌داد. سهم ما از دادن شهریه‌ی سنگین شد یک لینک کلاس مجازی که هر فرد عادی هم می‌توانست به آن وارد شود. ما دانشجویان اعتراض خود را به گوششان رساندیم و جز چند جمله‌ی غیرمنطقی، چیزی نصیبمان نشد. این در شرایطی بود که خیلی از خانواده‌ها، به‌خاطر کرونا و مشکلاتش، در ورطه‌ی ورشکستگی به سر می‌بردند و نمی‌توانستند مخارج فرزندانشان را که با هزار آرزو پا به دانشگاه گذاشته‌اند، تأمین کنند. ما پردیسی‌ها همیشه خودمان را خیلی بیشتر در مقابل درس‌خواندن مسئول می‌دانیم، زیرا شهریه‌ای پرداخت می‌کنیم که پدر و مادرمان با هزاران زحمت به دست می‌آورند و درس‌خواندن، خیانت به عرق‌های ریخته‌ی پدر و مادرمان است و تنها دلخوشی یک پدر و مادر، موفق‌شدن فرزندشان است. از موضوع دانشگاه که بگذریم و ریزتر شویم، دانشکده را خواهیم دید. دانشکده در درس نقشه‌کشی در حق ما اجفاف کرد؛ درس قرار بود به‌صورت سه‌واحدی اخذ شود و حتی در فرم تطبیق ما هم سه واحدی است، ولی به اشتباه دوتا دو واحدی نصیب ما شد

کردیت چیست؟

چطور کردیت کنیم؟!



حسن علیزاده، ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک



علی انصاری، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک



مصاحبه با آقا ایمان جبلت و خانم مهسا گودرزه، ورودی ۹۶ دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه شریف، پذیرفته شده در ارشد بدون کنکور دانشکده مکانیک

کردیت چیست و چه مزایایی دارد؟ (مهسا گودرزه)

کردیت برای ورود به کارشناسی ارشد یا به اصطلاح دیگر «ارشد مستقیم»، یعنی پذیرفته شدن برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، بدون شرکت در کنکور.

مزیت اصلی کردیت، همان کنکور ندادن است. به هر حال، کنکور مشکلات و فشارهای روانی خاص خودش را دارد و علاوه بر آن، چندین ماه زمان هم برای مطالعه باید صرف کنید. مزیت دیگر کردیت این است که هنگام درخواست برای ارشد مستقیم، می‌توانید رشته‌هایی از دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد، انرژی و گروه فلسفه و علم را انتخاب کنید. در حالی که اگر بخواهید برای شرکت در کنکور رشته‌ها اقدام کنید، باید درس‌های زیادی را مطالعه کنید که در کارشناسی نگذرانده‌اید؛ در واقع با ارشد مستقیم این‌ها را دور می‌زنید!

فرآیند ثبت نام و شرایط کردیت را لطفاً توضیح دهید. (مهسا گودرزه، ایمان جبلت)

اوایل یا اواسط ترم هفت، اطلاعیه‌ای منتشر می‌شود که ثبت نام ارشد بدون کنکور شروع شده است و دانشکده هم، لیست ۲۵٪ دانشجویان با معدل برتر را در ایمیلی پیوست می‌کند. این ۲۵٪ می‌توانند برای ارشد مستقیم درخواست بدهند. شاخص‌ترین شروط کردیت، در صورت تحصیل تکرار رشته‌ای یا تحصیل در رشته‌ی فرعی (ماینور)، اتمام چهارساله‌ی دوره‌ی کارشناسی است. معیار ارزشیابی معدل برای تعیین ۲۵٪ برتر رشته، نمرات شش ترم اول می‌باشد. تا پایان ترم شش هم باید حداقل ۷۵٪ از دروس، که در رشته‌ی مکانیک معادل ۱۰۵ واحد می‌شود را گذرانده باشید. اگر دورشته‌ای باشید، شرایط فرق می‌کند و حداکثر در ده ترم می‌توانید تحصیل در کارشناسی را به پایان برسانید و تا قبل از ترم نه، باید ۷۵٪ از مجموع واحدهای دو رشته که ملزم به گذراندن هستید را گذرانده باشید. دانشجویان هر رشته مجاز برای درخواست ارشد بدون کنکور در دانشکده‌ی خود، دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد، دانشکده‌ی انرژی و گروه فلسفه علم هستند. به علاوه، دانشجویان رشته مهندسی مکانیک، برای تحصیل در رشته‌های هوافضا یا مهندسی دریا هم مجاز به درخواست برای کردیت هستند. البته باید توجه داشته باشید که فقط برای یک دانشکده می‌توانید درخواست دهید؛ به عنوان مثال، فقط مکانیک یا فقط هوافضا یا فقط مدیریت و اقتصاد. بحث دیگر در کردیت، انتخاب گرایش‌ها و اولویت‌بندی بین گرایش‌هایی است که در دانشکده‌ی انتخابی شما در مقطع ارشد وجود دارند. فکر می‌کنم امکان انتخاب چهار گرایش وجود دارد که به شخصه دو انتخاب داشتم. توصیه‌ام به دانشجویان این است که کم‌کم با گرایش‌ها آشنا شوند و علایق و اولویت‌های خودشان را بشناسند. البته ممکن است کمی این کار سخت باشد، چون با توجه به چارت، ممکن است یک سری از درس‌ها را اخذ نکرده باشند و شناخت کافی از گرایش‌هایی مثل کنترل نداشته باشند. به هر حال باید تحقیق و پرس و جو کنند تا علایق خود را بشناسند. البته باید این نکته را هم اضافه کنم که سبد درسی که شما در دوره‌ی کارشناسی انتخاب می‌کنید، صرفاً برای انتخاب واحد است و در مدرک کارشناسی شما درج نمی‌شود؛ شما فارغ از سبد انتخابی، مدرک لیسانس در مهندسی مکانیک، بدون گرایش‌بندی اخذ می‌کنید. لذا سبد انتخابی شما ارتباطی با گرایش انتخابی شما، چه در کنکور ارشد و چه در فرایند کردیت ندارد و آزاد به انتخاب گرایش مورد علاقه‌ی خود هستید و محدودیتی وجود ندارد. فرآیند کردیت، فرآیند ساده‌ای است. بعد از انتشار اطلاعیه، شما می‌توانید در سایتی که آدرس آن نیز اعلام می‌شود، با پرداخت هزینه‌ی کمی درخواست کردیت دهید.

مدارک لازم هم، معدل و ریزنمرات و یک سری موارد جزئی دیگر مانند اسکن شناسنامه است. در بحث مدارک مربوط به نمرات و معدل، دانشگاه شریف، اسکرین‌شات نمرات و معدل درج‌شده در سامانه آموزش را می‌پذیرفت. در صورتی که پروژه‌ای به صورت رسمی انجام داده باشید و یا مقاله‌ای منتشر کرده باشید، مدارک مربوط به آن‌ها را هم می‌توانید ارسال کنید. البته من میزان تأثیر انجام پروژه یا انتشار مقاله را نمی‌دانم، ولی قاعدتاً باید مؤثر باشند! اما طبق شنیده‌هایم، فاکتور اصلی در پذیرفته‌شدن برای ارشد بدون کنکور، معدل است.

نتایج پذیرفته‌شدگانِ کردیت هم حدود اسفندماه اعلام می‌شود.

آیا حین اقدام برای کردیت و بعد از اعلام نتایج، می‌توانیم برای اپلای یا ثبت‌نام کنکور اقدام کنیم؟ آیا محدودیتی وجود دارد که روع دانشجوی اعمال شود؟ امکان انصراف از کردیت، برای دانشجوی پذیرفته‌شده وجود دارد؟ (مهسا گودرز)

خیر؛ هیچ‌گونه محدودیتی، نه برای اپلای و نه برای ثبت‌نام در کنکور ارشد اعمال نمی‌شود. اصلاً در مقوله‌ی کنکور ارشد، دلایل ثبت‌نام اولیه‌ی کنکور ارشد، قبل از اعلام نتایج پذیرفته‌شدگانِ کردیت است، پس برای محکم‌کاری، اکثر دانشجویان متقاضی کردیت، در کنکور ارشد هم ثبت‌نام می‌کنند که اگر برای ارشد مستقیم پذیرفته نشوند، فرصت شرکت در کنکور را از دست ندهند. در مقوله‌ی اپلای هم محدودیتی وجود ندارد و می‌توانید کارهای خود را پیش ببرید. البته لازم است اضافه کنم که از طرف دیگر، پذیرفته‌شدن در کردیت، در صورتی که بخواهید اپلای کنید یا در رشته‌ی دیگری کنکور ارشد بدهید، مزیتی برای شما نخواهد بود؛ یعنی مثلاً ذکر کردن «پذیرفته‌شده در کردیت» در رزومه برای اپلای، هیچ امتیاز مثبتی محسوب نمی‌شود یا اگر بخواهید در رشته‌ی دیگری کنکور ارشد بدهید هم پذیرفته‌شدن در کردیت، تأثیری در نتیجه‌ی کنکور شما نخواهد داشت.

کاملاً امکان انصراف از کردیت هم وجود دارد. بعد از اعلام نتایج، فرم‌هایی ارسال می‌شود و شما فرصتی دارید که این فرم‌ها را پر کنید. یکی از این فرم‌ها به این مضمون است که شما تأیید می‌کنید که حتماً وارد مقطع ارشد، در رشته‌ی پذیرفته‌شده خواهید شد. همین‌طور فرم دیگری هم وجود دارد که به منظور انصراف از کردیت است، حال به هر دلیلی که باشد. مثلاً یک سری دانشجویان موفق می‌شوند از دانشگاه‌های خارج از کشور پذیرش بگیرند و تصمیم به انصراف از کردیت می‌گیرند.

اگر شخص که در کردیت پذیرفته‌شده، انصراف بدهد، دانشجوی دیگری می‌تواند برای کردیت اقدام کند؟ (ایمان جبلت)

دقیقاً اطلاع ندارم. در سال‌های دورتر که در هیچ‌کدام از دانشکده‌ها این امکان وجود نداشت. فکر می‌کنم اخیراً در بعضی دانشکده‌ها، مثلاً دانشکده‌ی کامپیوتر این امکان وجود دارد؛ اما نمی‌دانم در دانشکده‌ی مهندسی مکانیک هم این امکان وجود دارد یا خیر. پیشنهاد می‌کنم حتماً با استعدادهای درخشان تماس بگیرید و پرس‌وجو نمایید تا از این موضوع اطمینان حاصل کنید.

تجربه یا نکته‌ای با توجه به کردیت خودتان اگر دارید لطفاً ارائه دهید.

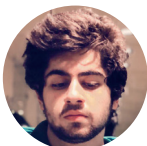
مهسا گودرز: مسیرهای مختلفی روبه‌روی دانشجویان وجود دارد؛ کردیت، اپلای، کنکور ارشد یا حتی ترک تحصیل بعد از کارشناسی و وارد بازار کار شدن. پیشنهاد می‌کنم راه خود برای ورود به این مسیرها را باز بگذارید، چون ممکن است امروز تصمیم شما اپلای باشد اما بعداً تصمیمتان عوض شود. به عنوان مثال خود من اصلاً احتمال نمی‌دادم که برای کردیت اقدام کنم و تصمیم اولیه‌ام، اتمام کارشناسی در نه ترم و اپلای کردن بود. اما بعدها تصمیمم تغییر کرد و برای کردیت اقدام کردم. الآن هم از تصمیم فعلی‌ام نسبت به تصمیم قبلی کاملاً راضی هستم.

ایمان جبلت:

اگر معدل ترم‌های اول باب میلان نبود، از کردیت ناامید نشوید. به هر حال گذشته را نمی‌توانید تغییر دهید اما با یک برنامه‌ریزی مناسب می‌توانید در ترم‌های آینده معدل بهتری کسب کنید و جبران کنید.

نویسنده:

مطالب مذکور صرفاً برای آشنایی کلی دانشجویان با فرآیند کردیت می‌باشد. با توجه به امکان تغییر قوانین، و عدم قطعیت مصاحبه‌کنندگان درباره برخی موارد، دانشجویان گرامی حتماً اطلاعاتی‌های مربوط به کردیت را مطالعه کنند و تنها به مطالب نوشته‌شده استناد نکنند. احتراماً نشریه‌ی خمش مسئولیتی در قبال استناد شما به مطالب ذکرشده نمی‌پذیرد.



امیرمحمد طهماسبی، ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

هفت «سین» و یک «پ»

یک ساعت به عید مانده بود و با خانواده داشتیم پای تلویزیون گریه می‌کردیم، اما هرکدام به یک دلیل. بابا با بغض به لبخند پسته‌های توی بشقاب آجیل خیره شده بود. از فردا فک و فامیل، همه به خانه‌مان می‌آمدند و از بین دریای نخود کشمش، قلاب می‌انداختند تا پسته‌های گران‌قیمت را صید کنند. با خودش می‌گفت کاش پسته‌ها نمی‌خندیدند تا حداقل باجناقش ناچار می‌شد با دندان آسیاب، پسته را باز کند و کوفتش شود و در انتها با ناامیدی، آن‌ها را به بشقاب برگرداند. بعداً می‌توانست پسته‌ها را بشوید و خودش تنهایی بخورد. بگذریم! مامانم داشت گریه می‌کرد؛ چون داشت تلویزیون می‌دید. چرا؟ احسان علیخانی است دیگر. دوباره از در پشتی یکی را آورده بود وسط محنه و فیلم هندی درست کرده بود؛ تا به ما ثابت کند که شب عیدی، بدبخت‌ترین آدم روی زمین نیستیم. هرچند همانجا بر ایمان سؤال پیش می‌آید که چرا باید خودم را با مردی که ۳۷ بار رفته خواستگاری و از بابای عروس جواب رد شنیده و الآن با چشم‌گریان روی آتتن است مقایسه کنم؟ کمی عزت نفس داشته باش مرد! مثلاً من خودم کلاً قبل از اینکه به خواستگاری بروم، از خود دخترها جواب رد می‌شنوم. از یک جایی به بعد، حس کردم که شوخی است! برای همین، تصمیم گرفتم یک دور به همه‌ی دخترهای دانشگاه پیشنهاد بدهم که آخرین مورد قبل از اینکه چیزی بگویم، گفت: «می‌خواهی بیای خواستگاریم؟» گفتم: «بابا چرا همچین فکری می‌کنی؟! حالا شاید جزوه خواستم از تون. ولی آره درست حدس زدی!» که به من گفت: «احمق من استادت!» آنجا بود که رفتم آموزش و خودم درس را حذف کردم.

اوضاع خیلی خیط بود. بعد هم در بیوی اینستایم نوشتیم «عقاب همیشه تنهاست، اما لاشخورها همیشه باهم‌اند.» و تصمیم گرفتم کلاً بیخیال شوم. اما هیچ‌کدام از این‌ها دلیل گریه‌ی من نبود. چند دقیقه پیش، پروژه آپلود شده بود. تنها دلخوشی‌ام، «با عرض تبریک بابت سال نو و آرزوی تعطیلاتی مفرح و شاد!» اول صورت مسئله‌ی پروژه بود که باعث شد یادم بیاید که استاد، هنوز هم ما را دوست دارد و هنوز هم می‌شود تعطیلاتی مفرح و شاد داشت. در آن لحظه دوست داشتم خانم دکتر میرسیدی، به برنامه‌ی علیخانی بیاید و بگوید: «من خودم سه تا پروژه تو هفته‌ی اول تعطیلات عید داشتم؛ ولی تعطیلات شادی بود و چیزیم نشد!» بابایم که می‌دانست برنامه‌ی علیخانی و پسته، برایم بی‌اهمیت‌تر از این حرف‌هاست، باظرافت پرسید: «تو چرا گریه می‌کنی؟» گفتم: «پروژه دارم.» گفت: «پسرم تو خودت انتخاب کردی جور دیگری زندگی کنی!» منظورش انتخاب رشته بود. راست هم می‌گفت. آنجایی که در دوراهی علاقه‌ی پدرم و علاقه‌ی مادرم، مهندسی مکانیک، علاقه‌ی مادرم را انتخاب کردم، باید فکر این حرف پدرم هم می‌بودم. بگذریم. مهم این بود که شب عید بود. توپ شلیک شد و همدیگر را بغل کردیم. سکانس بعد: شب- داخلی- داخل اتاق- پای لپ‌تاپ

زیرکانه‌ترین حرکت سال



محمد رضا زرگرباشی، ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

آموزش دانشکده‌ی مکانیک در حرکتی تاریخی و در اقدامی نایاب، پس از ارائه‌دادن یک درس صرفاً با یک استاد و با ظرفیت بالا، و وقتی شما در دام پهن‌شده‌ی آموزش گیر افتاده بودی و در درس ثبت‌نام کرده بودی، تصمیم به اضافه‌کردن یک استاد دیگر نمود و دانشجویانی را که دیرتر ثبت‌نام کرده بودند (یعنی همان دانشجویان بیچاره‌ی رند ۱۱ و ۱۲) حذف نموده، دستشان را در پوست گردو گذاشت. و اینجا بود که زیرکی خود را به همگان نمایاند. حال سؤال این است که آیا آموزش این دانشکده که دلیل حرکتش را تعداد زیاد دانشجویان ثبت‌نامی این درس می‌داند، از عدم توانایی استاد در کنترل تعداد زیاد دانشجویان بی‌خبر بوده، یا با توجه به اینکه می‌دانستند قرار نیست کسی با استاد دوم درس را بردارد، طی نقشه‌ای هوشمندانه، در ابتدا با معصومیتی مثال‌زدنی یک گروه از درس را به دانشجویان اعلام می‌کنند و وقتی انتخاب واحد تمام شد و به اصطلاح آب‌ها از آسیاب افتاد، استاد دوم را سوسکی اضافه می‌کنند تا دیگر از این سبک جنبش دانشجویی‌ها خبری نباشد که اصلاً هیچ‌کس با گروه دوم بر ندارد و این حرف‌ها! خلاصه که ما هم از تعمدی و یا تصادفی‌بودن نبوغ این آموزش بی‌خبریم، ولی به نظرم نه تنها نباید حرکتشان را زیرکانه‌ترین اقدام سال نامید، بلکه باید به نبوغشان ایمان آورده و حرکات (دودی‌شکل!) آن‌ها را از نبوغ‌آمیزترین‌های سال شمرد، چرا که سرکار گذاشتن بالغ بر ۱۰۰ دانشجو کار هرکسی نبوده و به‌شخصه از توان ما خارج است!

وقت شناس‌ترین



علی محدث‌زاده، ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

انصافاً وقت‌شناس‌ترین افراد در تمام بازه‌های زمانی از سال، استادان گران‌قدر هستند. این بزرگ‌مردان (و اندکی‌شان، بزرگ‌زنان!) نمونه‌های وقت‌شناسی هستند. گویی شامی این عزیزان بیش از آن‌که به بوییدنی‌ها اختصاص داشته باشد، به یافتن وقت خالی از دانشجو می‌پردازد. استاد عزیز بو می‌کشد تا اگر خدای ناکرده دانشجو وقتی یافت که فکر کند اصلاً چه می‌خواهد، فکر کند که چه کاری را درست است که انجام دهد و ...، سریعاً با یک پروژه‌ی منگوله‌دار یا یک تمرین تتراشیده و نخراشیده، مشکل فکری دانشجو را حل کند. آخر اصلاً صلاح نیست که دانشجو از این فکرها بکند. دانشجو آمده که در این خراب‌آباد درس بخواند و نفهمد! چه از این بهتر؟ حالا که خود نمی‌داند که چه می‌خواهد، استاد عزیزش به میان آمده و وقتش را برایش پر می‌کند. هی شما بگویید این اساتید ظالم‌اند و ما را درک نمی‌کنند و از این سبک مزخرفاتی که هر دانشجویی که کله‌اش بوی قرمه‌سبزی می‌دهد، می‌گوید! حتماً می‌خواهی بگویی دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد و این حرف‌ها؟ هان؟ خیر عزیز من! شما جوانی و شعورت نمی‌رسد که چه کاری صلاح است. بیا این سه پروژه را انجام بده، فلان تمرین را هم حل کن، امتحانی هم از تو خواهیم گرفت که در دقایقی کوتاه و جان‌کاه باید تمام مسائلش را حل کنی! آن وقت است که اوقات تو به دو بخش تقسیم می‌شوند: یا در حال انجام وظایف دانشجویی‌ات هستی و یا با اینکه آن کارها را انجام نمی‌دهی، ولی دغدغه و اضطرابش دارد خف‌ها می‌کند! به این می‌گویند یک زندگی استادپسند تودل‌برو!

این چه جور برنده بودنه؟!

معرفی فیلم شتاب (Rush-2013)

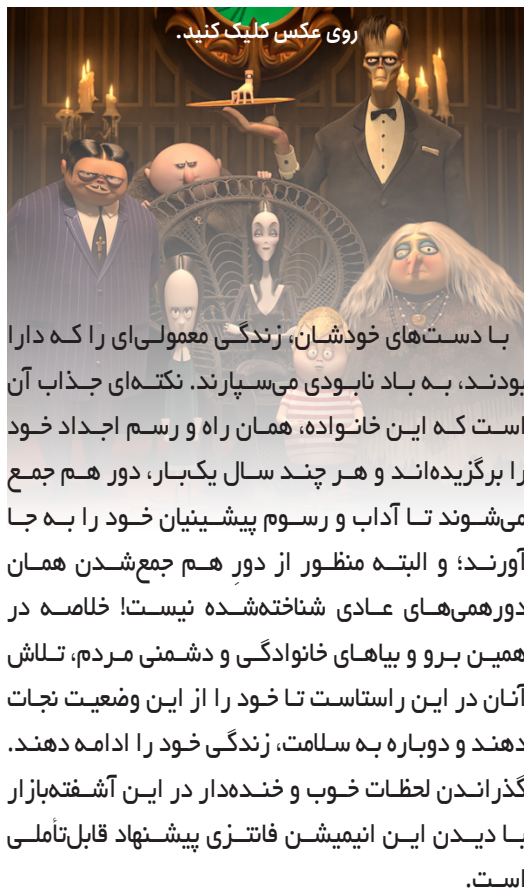


فاطمه مظفر، ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک



لئودا: «این طرز فکر کردن که انگار این نفرینه که توی زندگی یک دشمن داشته باشی رو بس کن، این می‌تونه یک جور موهبت هم باشه؛ یک آدم عاقل، از دشمن‌هاش بیشتر سود می‌بره تا یک آدم احمق از دوستاش»

هانت: «بعضی وقت‌ها زندگی باید خوشی و لذت هم باشه؛ فایده‌اش چیه که میلیون‌ها کاپ قهرمانی و مدال و هواپیما داشته باشی اگه هیچ تفریحی نداشته باشی؟ این چور برنده‌بودنه؟»



با دست‌های خودشان، زندگی معمولی‌ای را که دارا بودند، به باد نابودی می‌سپارند. نکته‌ای جذاب آن است که این خانواده، همان راه و رسم اجداد خود را برگزیده‌اند و هر چند سال یکبار، دور هم جمع می‌شوند تا آداب و رسوم پیشینیان خود را به جا آورند؛ و البته منظور از دور هم جمع‌شدن همان دورهمی‌های عادی شناخته‌شده نیست؛ خلاصه در همین برو و بیا‌های خانوادگی و دشمنی مردم، تلاش آنان در این راستاست تا خود را از این وضعیت نجات دهند و دوباره به سلامت، زندگی خود را ادامه دهند. گذراندن لحظات خوب و خنده‌دار در این آشفته‌بازار با دیدن این انیمیشن فانتزی پیشنهاد قابل‌تأملی است.

فیلم شتاب، فیلمی پیرامون مسابقات فرمول ۱ و رقابت تنگاتنگ دو راننده برای تصاحب عنوان قهرمانی در سال ۱۹۷۶ است؛ «جیمز هانت» و «نیکي لئودا». فیلم، به‌گونه‌ای ساخته شده است که تا آخرین لحظه، این حق را از مخاطب سلب می‌کند که بین دو شخصیت اصلی، طرفدار یک نفر باشد؛ و شما را برای شناخت بهتر نقش‌ها، ترغیب می‌کند که به دیدن فیلم ادامه بدهید. فیلم بین تمام موضوعات موجود، توازن برقرار کرده و سعی کرده است که به تمامی آن‌ها به‌طور کامل بپردازد؛ «رقابت و رابطه‌ی شخصی بین آن‌ها» و «زندگی خصوصی هر فرد». فیلم، بین هانت و جیمز به‌خوبی تراز شده و شخصیت هرکدام را به‌خوبی به تصویر کشیده است. هانت، شخصیتی مغرور و خوش‌گذران دارد درحالی‌که لئودا، بسیار منطقی و البته انسان‌گریز است.

شخصیت‌ها به‌خوبی حس رقابت، حسادت و تنفر خود نسبت به دیگری را نشان می‌دهند. در تمام لحظه‌های مسابقه، کاملاً این حس به مخاطب القا می‌شود که انگار در همین لحظه، در حال اتفاق افتادن است و خودمان در آنجا حضور داریم و در تمام لحظه‌ها استرس داریم. از نظر من مخاطب، این نکته‌ی مثبتی است که یک سازنده، بتواند مخاطب را وارد فضای فیلم بکند و حسی واقعی را در او ایجاد کند. لئودا و هانت دو رقیب اصلی، موفق شدند که در طی این دوران به قهرمانی برسند؛ اما بیان این موضوع مهم است که این دو، هیچ‌گاه نمی‌توانستند بدون حس رقابت، به این درجه از موفقیت در زندگی حرفه‌ای خود برسند. لئودا در یکی از صحنه‌های ابتدایی فیلم دچار سانحه شد؛ هانت با تحریک‌کردن لئودا باعث شد که او به شرکت در مسابقه‌ای با شرایط بسیار خطرناک تن دهد و در دوران ناهت با دیدن پیش‌گرفتن رقیبش، انگیزه‌ای پیدا کرد برای شروع مجدد و بازگشت به مسابقات. این اتفاق، نقطه‌ی عطفی هم در رابطه‌ی این دو رقیب بود که تنفر را به دوستی تبدیل کرد.

آخر فیلم، دیالوگ جالبی رد و بدل شد که فکر می‌کنم بیان آن خالی از لطف نیست.

گه‌گاهی تفاوت هم چاره‌ساز است



نگین نصیریان، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

معرفی انیمیشن The Addams family

چشماتان را ببندید و لحظه‌ای تصور کنید در موقعیتی خاص هستید و این احساس به شما دست می‌دهد که حریم خصوصیتان دیگر آن‌چنان هم خصوصی نیست؛ انگار در یک نمایشگاه هستید و مردم در حال عبور، اندک نگاهی هم به زندگی و سر و روی خانگی شما می‌اندازند و به قولی، «ورندازتان» می‌کنند. اگر قادر به تصور و تجربه‌ی چنین حسی بودید، اهالی انیمیشن The Addams family هم دقیقاً همین تجربه را بعد از سالانی دور داشته‌اند. آن‌ها که مردمی (نه خیلی شبیه مردم عادی) گوشه‌گیر هستند و سلیقه‌هایشان هم در زیبایی و هم آرامش، بسیار با سلیقه‌ی ما متفاوت است، در این داستان همواره از انسان‌ها که خود باشیم فرار می‌کنند و همیشه به دنبال خانه‌ای دور از دیگران هستند. آنان که پس از جست‌وجوی فراوان، سرانجام خانگی رویایی خود را پیدا می‌کنند، به گمان می‌برند که قرار است زندگی دور و دراز و خوشی را تا ابد کنار هم بگذرانند! اما غافل از آنکه این خوشی، قرار نیست دوامی داشته باشد و به‌زودی همین خانگی خوشحالی زودگذر، روی سرشان به آوار تبدیل می‌شود. این خانواده تلاش می‌کند برای بقای خود با انسان‌ها، که حالا در نزدیکی آن‌ها زندگی می‌کنند، رابطه‌ای هرچند ساده برقرار کند تا به انسان‌ها نشان دهد که آنقدرها هم متفاوت از دیگران نیستند و زندگی در کنار خانواده‌ی آنان بسی هم آسان است. اما همین تلاش واهی تبدیل به فاجعه‌ای می‌شود که دیگر ممکن نیست به راحتی از پس آن برآیند و خود

بازگشت اروپایی مردگان

معرفی سریال «Les Revenants» (2012)

سریال «بازگشتگان» در شهری کوچک که در احاطه جنگل و در کنار دریاچه‌ی یک سد است، داستان خود را بازگو می‌کند. این شهر کوچک که اتفاق‌های غم‌انگیزی را در گذشته‌ی خود تجربه کرده‌است، این‌بار باید یک اتفاق عجیب را به خود ببیند؛ و آن چیزی نیست جز «بازگشت مردگان»! اشتباه نکنید؛ قرار نیست شما را بترساند یا از ماوراءالطبیعه سخن بگوید. حتی زامبی‌ها نیز، در این سریال نقشی ندارند. با بازگشت مردگان به این شهر، اولین چیزی که تغییر می‌کند، روزمرگی است. گاهی، روزمرگی برای انسان‌ها بسیار ملال‌آور است. اما کافی است همین روزمرگی، تهدید شود تا انسان‌ها برای داشتنش دست به هرکاری بزنند. چه زنده باشید و شاهد برگشت رفتگانتان، چه مرده باشید و متوجه شوید زندگی برایتان نمی‌ایستد. در هر دو صورت، برای بیرون رفتن از این اتفاق عجیب، دنبال رسیدن به همان روزمرگی ملال‌آور خواهید بود. سریال بازگشتگان، در سینمای اروپا زاده شده است؛ پس قرار نیست همچون سریال‌های آمریکایی، با یک شخصیت «همه‌چیزدان» و «همه‌فن‌حریف» همراه شوید یا قرار نیست مثل سریال‌های علمی-تخیلی، درگیر چرایی این اتفاق عجیب شود و داستان، حول محور این واقعه پیش برود! بلکه این سریال، شما را درگیر تک‌تک شخصیت‌ها و رفتار آن‌ها، در مقابل این اتفاق عجیب می‌کند. در واقع این سریال، با اینکه از پارامتر فراواقع بهره می‌برد، اما سراسر واقع‌نگری است. همین واقع‌نگری در روبه‌رو شدن با یک اتفاق مرموز است که این سریال را به یک سریال خاص و دوست‌داشتنی تبدیل می‌کند. مواجهه‌ی واقعی چندین زن کشته‌شده با



علی بوالحسنی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک



Name: Les Revenants
Year: 2016
Seasons: 2
Episode: 16 (55min)
Language : French
Country: France

روی عکس کلیک کنید.

یک قاتل زنجیره‌ای که آن‌ها را به قتل رسانده است. یا التماس یک آدم زنده برای داشتن یک روز عادی را، بگذارید کنار احساس عصبانیت یک مرده که می‌خواهد حقش را از زندگی بگیرد. هر قسمت این سریال، یک کلاس درس عبرت است. کافی است سریال اروپایی باشد تا تماشاگر، از شر سکاس‌های پرزرق‌وبرق رها شود؛ و به جای آن، سریال بر ایفای نقش تمرکز کند. در واقع، باید با هنرنمایی‌های ناب بازیگرانی استثنایی همراه شود، تا همزادپنداری بیشتری در وجود تماشاگر رخ دهد. حال این سریال، نه تنها اروپایی است، بلکه ساخت کشوری است که مهد بازیگری احساسی در سینماست؛ یعنی فرانسه. این سریال، نگاهی ویژه به مسئله‌ی مرگ دارد؛ و بسیار متفاوت، مرگ را در نگاه بازماندگان و از دست‌رفتگان به تصویر می‌کشد. این سریال، به‌درستی، مرگ را نقطه‌ی پایان انسان‌ها در این دنیا معرفی می‌کند. سریال همچنین، نگاهی به مسئله‌ی دلبستگی دارد. این سریال در کالبد فلسفه، در چارچوب عرفان و در پوسته‌ی روانشناسی، به مسئله‌ی مرگ نگاه می‌کند. و البته، کارگردان حرفه‌ای و موفق این سریال، با استفاده از فن سینمایی خود توانسته کشمکش‌های استثنایی را، مابین مردگان و زندگان، پیرامون مسئله‌ی مرگ به تصویر بکشد. پایان‌بندی آن بسیار خاص، هوشمندانه، تکرارنشده‌ی مد البته فلسفی است. این سریال، هیجانی دیگر را، از جنس مرگ و زندگی به تماشاگر خود تقدیم می‌کند؛ هیجانی در «درک» مسئله‌ی مرگ و زندگی؛ نه در «تجربه‌ی» مرگ و زندگی. تفاوت بیان این دو موضوع هنری، ستودنی است.



زهرا همتیان،
ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

شما خالق من، اما من ارباب شما هستم!

معرفی مستند «Do You Trust This Computer»

برای دیدن پیش‌نمایش مستند،
روی زیر تیتراژ کلیک کنید.



ایلان ماسک در این مستند می‌گوید: «هر انسان دیکتاتوری در نهایت می‌میرد؛ اما هوش مصنوعی ممکن است روزی تبدیل به دیکتاتوری شود که هرگز نمی‌توان آن را تعقیب کرد.» به نظر شما آیا واقعاً این کامپیوترها قابل اعتماد هستند؟ شاید بد نباشد قبل از پاسخ‌دادن، این مستند را هم ببینید.



و روایت‌های داستانی از اتفاقات واقعی، از زبان افرادی که با آن اتفاقات درگیر بوده‌اند، باعث شده است که هر اپیزود از این پادکست، در عین طولانی‌بودن، بسیار جذاب و گیرا باشد و مخاطب را تا انتها با خود همراه کند. فایل صوتی و متن قسمت‌های مختلف On a Mission را می‌توانید از اینجا دریافت کنید. این پادکست از طریق Apple Podcasts، Google Podcasts، SoundCloud و RSS Feed هم در دسترس است.

تصور کنید روزی تلفن همراه شما به حرف بیاید و آن حجم زیاد اطلاعاتی را که به او سپرده‌اید، چه شخصی و چه غیرشخصی، بررسی و تجزیه تحلیل کند. یا فرض کنید در یک پیاده‌رو در حال عبور هستید و تا چشم کار می‌کند، اطرافتان را ربات‌ها گرفته‌اند؛ رباتی که به‌سوی کارخانه‌ای می‌رود و جای شما و سه‌چهارتا از دوستانتان را گرفته است. ناگهان ربات دیگری می‌آید و جیب‌تان را می‌زند!! از آن عجیب‌تر پایگاه‌های نظامی‌ای را تصور کنید که پر از سلاح‌های خودکار هستند! یا تصور کنید توییتر و اینستاگرام خودشان حرف بزنند(!)، پست‌ها را لایک کنند، مثل بعضی‌ها مدام به دیگران بد و بی‌راه بگویند، وقایع را آن‌طور که دوست دارند نشر بدهند و ... دنیای واقعاً ناامنی می‌شود! تمام اطلاعات ما دست این کامپیوترهاست و آن‌ها می‌توانند با دانستن تمام اطلاعات ما، دست به تغییر ما بزنند؛ در حالی‌که ما هیچ چیزی از آن‌ها نمی‌دانیم؛ هزاران الگوریتم گاهاً پیچیده!! باید بگویم ما الان هم از آن دنیا چندان فاصله‌ای نداریم. شاید این همان چیزی است که همین الان در آن زندگی می‌کنیم یا در آینده‌ای بسیار نزدیک به دستش می‌آوریم. همین گوگل را فرض کنید؛ گوگل، دیگر یک موتور جست‌وجوی ساده نیست؛ هر کدام از کامپیوترهای ما مانند یک «نورون» عمل می‌کنند. آن‌ها اطلاعات عظیمی را از ما دریافت می‌کنند و گوگل را تبدیل به یک هوش مصنوعی بزرگ می‌کنند؛ یک خدا(!) که ما را محاصره کرده است. این میزان اطلاعات و داده، یک‌جا برای شما رعب‌آور نیست؟ یک هوش مصنوعی نامحدود و خستگی‌ناپذیر! اما آیا واقعاً تمام این داده‌ها خطرناک هستند؟ قطعاً نه. بستگی به اهداف ما از استفاده از آنان است. به نظر شما می‌شود اصول اخلاقی را به کامپیوترها و ربات‌ها یاد داد؟ آیا امکان دارد کامپیوترها فقط کارهای خوب ما را یاد بگیرند و تکرار کنند و مثل ما دروغ نگویند یا به کسی ضربه‌ای نزنند؟ مستند «آیا به این کامپیوتر اعتماد دارید؟»، سعی دارد ما را با مزایا و معایب هوش مصنوعی آشنا کند و به سراغ افراد برجسته‌ای مانند ایلان ماسک، مکس تگمارک و ... می‌رود و نظر آن‌ها را به مخاطبان نشان می‌دهد.



مهسا گودرزی،
ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک

To infinity and beyond!

معرفی پادکست On a Mission

اگر شما هم از طرفداران مأموریت‌های فضایی هستید و با شنیدن هر خبری که «ماهواره» و «فضاپیما» دارد، گوشتان تیز می‌شود، یا از آن دسته آدم‌هایی هستید که عاشق حواشی و داستان‌های پشت صحنه‌ی اتفاقات بزرگ هستند، و یا حتی اگر از پادکست‌های آموزش لغات انگلیسی خسته شده‌اید، اما کمال‌گرایی‌تان هم اجازه نمی‌دهد که لحظه‌ای دست از تقویت مهارت‌های شنیداری‌تان بردارید، «On a Mission» را به شما پیشنهاد می‌کنیم! «On a Mission» را، آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا به زبان انگلیسی تهیه و منتشر می‌کند و تاکنون سه فصل از آن منتشر شده است. هر فصل این پادکست، یک موضوع کلی دارد: فصل اول به «مریخ»، فصل دوم به «سیارک‌ها» و فصل سوم به «زمین»، سیاره ما می‌پردازد. در اپیزودهای مختلف هر فصل، داستان‌ها و روایت‌های جدیدی از جزئیات مأموریت‌های فضایی مشهور می‌شنویم و تعدادی از متخصصان عضو تیم‌های هر پروژه، درباره‌ی چالش‌ها و اتفاقات جالب، هیجان‌انگیز و گاهی ترسناکی که در هر مأموریت رخ داده است، صحبت می‌کنند. از ویژگی‌های جالب این پادکست، استفاده‌ی بسیار کم از اصطلاحات علمی است؛ به طوری که این پادکست، برای مخاطبانی که آشنایی زیادی با عبارت‌ها و مفاهیم پیچیده‌ی نجومی ندارند هم مناسب است. این ویژگی، در کنار انتخاب مناسب موسیقی پس‌زمینه

تعطیلات خود را چگونه بگذرانیم؟!



فاطمه پرویزحمیدی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

اما مواردی همچون منج و مارپله، خوراک ایام تعطیل و جمع خانواده‌اند. به جرئت می‌توان گفت که منج از آن دسته بازی‌هایی است که تأثیری بی‌بدیل روی روابط خانوادگی دارد. کمتر موردی دیده شده که همچون این بازی، طوفان هیجان و نزاع را توأمان به دامن خانواده بیاندازد. علی‌الخصوص در مواقعی که پدر یا مادر باید بین زدن مهره‌ی دختر یا پسر یکی را انتخاب کنند. البته همیشه راه‌گزینی هست! به‌شخصه اگر جای والد و والدی بزرگوار بودم، به‌ناگاه پایم را دراز می‌کردم و به صفحه می‌زدم و سپس انواع و اقسام اصوات تعجب‌آور را از خود درمی‌آوردم! مجبور به انتخاب هم نمی‌شدم و از همه مهم‌تر، متهم به تبعیض! اسم‌فامیل نیز شاید خیلی فکری نباشد؛ اما برای تزریق هیجان و شادی به بعضی روزهای کسالت‌آور که خانه‌ماندن شما را عاصی کرده، کارساز است. در مجموع، بازی‌کردن یکی از سالم‌ترین و بهترین تفریحات روزهای آینده می‌تواند باشد. بالاخره همین سروکله‌زدن‌ها و داد و فریادهاست که خاطره می‌شود.

حذفیات

این بخش قبلاً توضیح عملی غیراخلاقی بود؛ اما نه به علت مشکلات اخلاقی، بلکه به دلیل کاربردی نبودن حذف شد! به همین جهت، قصد دارم بی‌حرف اضافه، تومیهای کوتاه کنم، من‌باب افزایش مهارت در این ایام. می‌توانید یادگیری نرم‌افزارهای مختلف درسی و غیردرسی را امتحان کنید! باشد که در آینده رستگار شوید!

صدا و سیما

دیدن فیلم و سریال به‌صورت شخصی، آن هم در این برهوت که فردای پخش فیلمی از شبکه‌ی نمایش، شبکه‌ی پنج آن را پخش می‌کند و پس‌فردایش شبکه‌ی سه و خود آن نام‌برده هم تاکنون ۸ بار از تلویزیون پخش شده، چندان خالی از لطف نیست. از آن رو که سیاست‌های صدا و سیما در این چند سال اخیر، به‌نحوی شده که در ایام عید و شادی مانند ایام عزاء، انگار که ما کسی را کشته باشیم، هیچ چیز قابل‌توجه و دیدنی از تلویزیون پخش نمی‌شود، هر شخصی باید یک لیست از فیلم‌ها و سریال‌هایی که باید تنها ببیند، با خانواده ببیند، برای بار چندم ببیند، اصلاً نبیند و برای بار اول ببیند، تهیه کند. شاید شما از قبل این لیست را تهیه کرده باشید و شاید اصلاً هیچ مورد جدیدی برای شما نباشد تا ببینید! اما من باید به‌نحوی تعداد لغات این یادداشت را بالا می‌بردم. پس رسالتی بود که باید به سرانجام می‌رسید!

جان من است او...

آخرین گزینه، برای شما دوست عزیز که قصد هیچ‌گونه کار و فعالیت ندارید، جدانشدن از تخت و بالش است! می‌توانید به خوابی بهاری فرو روید! خلاصه که امیدوارم ترکیب موارد بالا و نظرهای شخصی خودتان، تعطیلات بسیار خوبی را برای شما رقم بزند! سال خوبی برایتان آرزومندم و عیدتان هم مبارک!

سابقاً وقتی نام تعطیلات برده می‌شد، گشت‌وگذار، مسافرت، چتربازی و این قبیل چیزها به ذهن می‌آمد؛ اما اکنون اوضاع کمی تا اندکی تغییر کرده است!

آن‌چنان که ابتدا به ساکن، تن افرادی که به هر طریقی با تحصیل سروکار دارند (البته جز آن‌ها که در مقام تعلیم‌دهنده هستند)، به لرزه درمی‌آید که مبدا حرفی از کلاس جبرانی در این ایام مبارک شود! اما در ردیف دوم این تغییرات، خانه‌نشینی قرار دارد که آفت جان بوده و خواهد بود. به هر حال، انسان باید سازگار باشد؛ وگرنه مثل دایناسورها منقرض می‌شود! به همین جهت، بنده قصد دارم چند راه را برای گذران تعطیلات شرح دهم.

گزارش هفتگی

اساساً آشپزی مقوله‌ای نه‌چندان پیچیده و بسیار مفید جهت سرگرمی است. البته منظورم از آشپزی، تهیه‌ی کباب بره و قرمهی مجلسی نیست! منظورم از آن دست پخت و پزهایی است که متریال قاطی دارد و کمی چاشنی خلاقیت! فی‌الواقع، ایده از آن جایی به ذهنم خطور کرد که والدی محترم بنده، هر از چندگاهی هر چیز را که در یخچال مانده بود، روی سینی فر می‌ریخت؛ به مقدار مکفی پنیر پیتزا روی آن می‌داد و بعد هم خوراک شکم‌های گرسنه‌ی ما می‌کرد. با خود اندیشیدم که اگر همین کار را با مواد تازه و یک بار پخته‌نشده و چندبار داغ‌نشده امتحان کنم، باید خوب از آب درآید! جای‌تان که خالی نبود؛ اما بنده نیمرو زدم روی چیپس پیاز و جعفری با سس فرانسوی! خیلی بد هم نشد! خلاصه پیشنهاد می‌کنم امتحان کنید. فقط خیلی زیاده‌روی نکنید که کم‌کم قابل‌خوردن شود!

دوخت و دوز

دوختن زیرشلواری پدر به تشک را فقط به عزیزی پیشنهاد می‌کنم که ابوی محترمشان، خواب سنگینی دارند. البته قطعاً مستحضر هستید که زیرشلوار بیرون مدنظر بنده است. جای توصیه نیز دارد که این عمل در منزل ما، خیلی مورد استقبال واقع نشد.

چرخ نیلوفری

حقیقتاً موضوع درباره‌ی کسب علم و دانش است؛ اما گمان می‌کنم که یحتمل، اساتید در این زمینه از خجالت‌مان درمی‌آیند و اگر هم نیامدند، فکر کنم در طول ترم به قدر کافی کتاب و جزوه در دست داریم. پس کلاً به این قضیه نمی‌پردازم!

طوفان هیجان

اصولاً بازی‌های فکری جزء مواردی هستند که هم‌زمان هم بر ذهن اثر دارند و هم بر روابط خانوادگی! به‌طور معمول، بازی‌هایی که زیادی فکری هستند، ممکن است هیجان را کاهش دهند؛ چون احتمالاً تمرکز زیادی می‌خواهند؛

یک سال دیگر هم گذشت؛ سالی متفاوت با همه‌ی ملایمات و ناملایماتش. به قولی، «همه‌ی روزها خوب نیستند، اما چیزی خوب در هر روز وجود دارد.» شاید بتوان گفت: «همه‌ی سال‌ها خوب نیستند، اما اتفاقات خوب، در هر سال وجود دارند.» گفتیم اکنون که کنار هم نیستیم، سال جدید را این‌گونه از خمش تبریک بگوییم و برای همدیگر خوشی و شادی آرزو کنیم.

با آرزوی روزهای بهتر!
سال نو مبارک
حسین نوروزی

بیا که بار درخت به بار می‌آید...
سال نو مبارک!

فاطمه مرعادی
Leharali

نوبهار است که این لوتش له خوشدل باشد
سال نو مبارک!
سید نصیر

عیدتون مبارک!
امیدوارم سال پیش رو آغاز روزهای
بهر زندگی مون باشه. ت
زهراموسوی

ان شاء الله در سال نو
کلیه چیزها

سال نو مبارک!
سید نصیر

نوروزتون مبارک
"بسم الله الرحمن الرحيم"
حول حانا الی احسن الحال
حسن حبیبی

سال نو مبارک
حسن حبیبی

ای فانی باری!
سید نصیر

نوروز عید کرمای شادمانه عید عید و سرای کام شادمانه
آتش صبح خستنی چو که در شادمانی آورده چو که شادمان شادمان
سال نو مبارک
سید نصیر

دانشگاه در بهار که آمد

عکس از علی بوالحسنی و زهرا موسوی



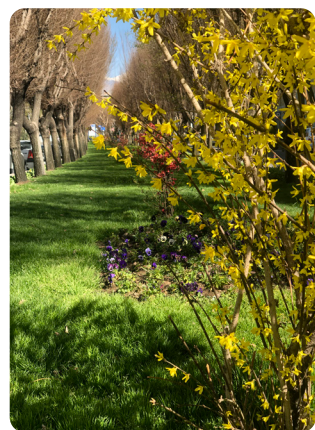
در شهر و بهمن گرفت، فصل بهار را رسید
جلوه گلشن به باغ همچو نگار رسید



رسید مرده که آمد بهار و سبزه نعید



بر چهره گل نسیم نوروز خوشتر است



بر همن چمن رو دل افروز خوشتر است

زلف سنبل، شده از باد بهار در هم
چشم رنگس شده از فوایب نمت بیدار

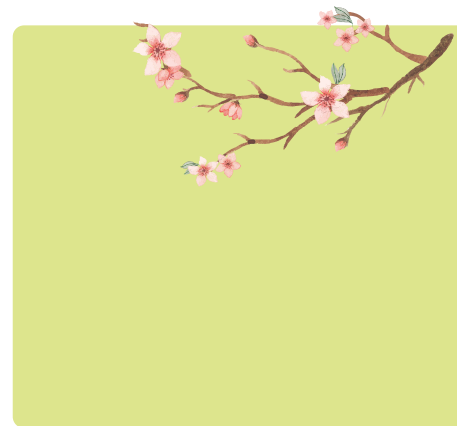


باید است فخر پذیر در بهار
کارها خوشتر است و نورانیتر در بهار



دانشکده در ساله که گذشت

عکس از علی بوالحسنی





فاطمه فرهادی، ورودی ۹۸ مهندسی دریا

سایت Interesting Engineering یکی از جالبترین سایت‌های طراحی‌شده در زمینه علوم و فناوری است و همچنین یک شبکه‌ی اجتماعی گسترده را فراهم می‌کند تا افراد با علایق مشترک، بتوانند با یکدیگر در تعامل باشند. در قسمتی که درباره‌ی سایت نوشته شده آمده است که «مهندسی چیزی فراتر از ماشین‌آلات و یا کدزدن است. درواقع، یک مکانیزم پیچیده‌ای است که وقتی تکمیل و مونتاژ می‌شود، در نهایت چیز حیرت‌انگیزی را از خود به جای می‌گذارد. این سایت شامل اخبار بسیاری در رابطه با آخرین پیشرفت‌های علمی، نوآوری‌های فناوری، پدیده‌های فرهنگی و سرگرمی و ... است. و اما برای آشنایی با چند سایت خوب در رابطه با سرگرمی‌های مهندسی روی عکس [کلیک](#) بفرمایید.



صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک و دریا (محور)

مدیر مسئول: زهرا کرمی

سردبیر: سیدپارسا قزوینی

صفحه آرا: سولماز مجدم مفرد

تیم ویراستاری: نیما رستگار، مهسا گودرزی، زهرا موسوی، زهرا همتیان

همکاران این شماره: سیدپارسا قزوینی، علی بوالحسنی، علی

انصاری، حسن الیزاده، علی محدث‌زاده، محمدرضا زرگرباشی، امیرمحمد

طهماسبی، فاطمه مظفر، نگین نصیریان، زهرا همتیان، مهسا گودرزی،

فاطمه پرویزحمیدی، فاطمه فرهادی

با ما در ارتباط باشید:

✉ @khamesh_mehvar

✉ @mehvargroup

📷 [mehvar_group](https://www.instagram.com/mehvar_group)

🌐 mehvar.mech.sharif.ir